

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها  
فرستنده : جاوید  
۲۵ نومبر ۲۰۱۸

## باسمه چی

گرگ، این مرتبه در صورت میش آمده است  
خلق را تابکند بنده خویش آمده است  
تادهد اهل خطا را به دم خنجر سرخ  
بشتاییم و بیاییم و عدو را بزنیم  
شیخ اغفال کن و مفسده جورا بزنیم!  
می کند ریشه ات، از ریشه او را نگنی  
از کف کم بغلان، آب و زمین را گیرد  
شوی آن را بگشود، دختر این را گیرد  
راه در مملکت رنجبران ندهیم!  
خون زحمتکش بیچاره نریزد دیگر  
بگشیمش که نماند بستیزد دیگر  
ریشه اش تا که نروید ز نو - آتش بزنیم!  
ظلم این طایفه بر کمبغلان را دیده است  
عدل و دینداری این بد سیران را دیده است  
بیشه شیر، به روباه نخواهد دادن  
خانه عمر عدو، زیر و زبر خواهد کرد  
کمسومولکا هم، البته هنر خواهد کرد  
«شیر - شیر است، اگر ماده، اگر نر باشد»  
پای را، ماحصل زحمت ما، روزی نیست  
کمبغل هم، دگر آن بنده دیروزی نیست  
کی بُد و کی شده، اکنون همه را فهمیده است

دشمن کم بغلان<sup>۲</sup>، باز به پیش آمده است  
دزد، با اسلحه ملت و کیش آمده است  
حمله بایست کند چون به ختا<sup>۳</sup>، لشکر سرخ<sup>۴</sup>  
خصم شورا، به هجوم آمده، او را بزنیم  
بدتر از خصم، (رفیقان) دورو را بزنیم  
می زند خصم تو را، گر که تو او را نرنی  
آمده تا که زنو، تاج و نگین را گیرد  
باز بر توده شود حاکم و کین را گیرد  
ای رفیقان، بشتاییم و امانش ندهیم  
بشتاییم کز اینجا نگریزد دیگر  
بزنیمش که خود از جای نخیزد دیگر  
از ره رنجبر این خار ستم را بکنیم  
رنجبر، دوره این مفتخوران را دیده است  
هتک ناموس زنان و پسران را دیده است  
به چنین بی شرفان راه نخواهد دادن  
کومسومول<sup>۵</sup> نیز در این جبهه ظفر خواهد کرد  
تن دشمن، همه محروم ز سر خواهد کرد  
همچو مردان، زن ما نیز هنرور باشد  
قسمت دشمن ما، شاهد پیروزی نیست  
فکر این بیخردان، غیر جهانسوزی نیست  
او، دگر لذت آزادی خود را دیده است

مگر آن عهد استبداد فراموش شده است  
 مگر آن خنجر پولاد فراموش شده است  
 که تن رنجبر، از دیدن آن می لرزید  
 که گذارد که ز نو، دور امارت بشود؟  
 دوره جهل و ستمکاری و غارت بشود؟  
 مُرد، آن دور و دگر زنده نگردد هرگز  
 دیگر ای بی شرفان، دست کشید از شورا!  
 حاصلی جز دم شمشیر نیبید از ما  
 سرزمینی است که ایمان فلک داده به باد  
 مگر آن دوره بیداد فراموش شده است  
 مگر آن هیکل جلاد فراموش شده است  
 بچه اندر شکم مادر از او می ترسید؟  
 رنجبر باز گرفتار اسارت بشود؟  
 باز هم نوبت تحقیر و شرارت بشود؟  
 توده ما به کسی بنده نگردد هرگز  
 کشور فعله و دهقان نبود صید شما  
 چون سگ دزد گریزید به زودی، کاینجا:  
 «هر که شیرین طلبد، تیشه خورد چون فرهاد»

مسکو، می ۱۹۳۱

#### یادداشت‌ها:

- ۱ - باسمه چی - اصطلاحی است برای نامیدن مخالفان مسلح حکومت شوروی در سال های اول انقلاب
- ۲ - كَمْبَعَل - به فتح کاف ، لغت از یکی است به معنای تهیدست و فقیر که در تاجیکستان مروج است
- ۳ - ختا - خَتَا یا خَتَا یا خُتَن، نام سرزمینی ترک نشین است که در زمان حکومت ترکان از بخش های شمالی و شمال غربی چین بوده است. در شعر و نثر فارسی گاه به شکل «ختا» و مترادف با مملکت چین آمده است .
- ۴ - اشاره به حمله نیروهای مسلح منچوری به مرزهای کشور شوروی در سال ۱۹۳۰ میلادی دارد که از روس ها شکست خوردند
- ۵ - کومسومول = سازمان جوانان کمونیست مربوط حزب کمونیست بلشویک شوروی